

Jomhuria Test-texts 1

June 2, 2015

خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد. به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد. گاهی دیک خوشنویسی به عنوان هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای دیک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید به‌انجیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن. سعی داشته ائرق هنرک با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند.[۱] از این رو خوشنویسی با نگارش ساده مطالب و جتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تابویگرایی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد.

خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسل‌می و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسل‌می و بیش از آن خوشنویسی ایرانی نمادانی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا؛ که با آراستگی و مده‌بمت نام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد.

اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسل‌می و ایرانی پراساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر برخوردارند. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که بخشی از آن به‌منزله نادریده گرفتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رعایت طرفین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز پراساس مبنای مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم‌الخُطه»ها و «آداب‌المشق»ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. فرارگیری کلمات نیز- یعنی «کُرسی»- هر سطر هر چند نه به صورت کامل؛ پیش‌بینی و تکلیف شده - که ناممکن بوده‌است - اما به‌شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی اسل‌می

خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیت خاصی داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استمناخ قرآن بلکه در اغلب هنرها بکار می‌بردند.[۵] خوشنویسی با خطاطی در کلیه کشورهای اسل‌می همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت نفراقت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسل‌می تا کنون در کلیه کشورهای اسل‌می و مناطق تحت نفوذ نخت مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج حیرانیت هنری بوده‌است.

قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خدلف حروف زاویه‌دار خط کوفی محنتی و قوس‌دار است.[۶]

در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقفله بیشاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقدم سته معروف شدند که عبارتند از: محقق، ریحان، نکت، نسخ، رقاغ و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده‌گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، سمود مجازی، نزول مجازی، اصول، سفا و شان.[۷]

یک قرن بعد از ابن مقفله، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتایت نمود.[۸] خوشنویسی ایرانی

درحالی که صمدت تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابدایی در سایر کشورهای اسل‌می هم طرفه‌آرایی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است.

در ایران پس از فتح اسل‌م، خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزئینی زیغت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسقر میرزا بود.[۹]

آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات تخریف هنری و یا برای مراسل‌ت و مکاتبات اداری ابداع شده و بکار رفته‌است. این در حالی است که خط نزد اعراب و تکران عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است. هرچند آنان نیز برای امور محلی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر بکار می‌برند، اما اوج هنرنمایی آنان - بر خدلف خوشنویسان ایرانی- در خط نکت و نسخ و کتایت قرآن و احادیث قابل رویت است.

در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتایت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط نکت و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند.

خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم یا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاغ به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالرحی منشی استر ابادی به‌دان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد.[۱۰]

پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بوجود آورد که تا آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید.[۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید.

خط نستعلیق عده بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دیپار گوزگانیان در هندوستان (که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد.

بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور محشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلفیت ایرانی دانست. همانطوریکه بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن را نیز بوجود آوردند.[۱۳] درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند.

در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تأکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع گشاد و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشیخط را به‌وجود آوردند که گماکان مورد توجه معاصر هنری جهان است.

در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۴۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به همده گرفت. همچنین خطی به نام معنی در سال‌های اخیر با تأثیر از خطوط اسلامی – ایرانی لکث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید معجمی ابداع گردید که تا حدی مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می توان به ابداعات خوشنویسی سبحان موه‌داد مصدیر اشاره کرد . خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و لکث بوده و قابلیت کتابت و کتبه نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در سه ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند.

فن الخط

فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية، وهو غالباً ما يطلق على فن الكتابة (Mediavilla) (۱۹۹۶ : ۱۲). والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معينة، ومتناغمة، وماهرة" (Mediavilla) (۱۹۹۶ : ۱8).
لغة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متعدد في إطار المهارات التقنية، وسرعات الانتقال وتضديد المواد، الزمان والمكان من الشخص (Diringer) ۱۹۶۸ : ۴۴۱. ويوسف نعط معين من الكتابة بأنه لسي، أو نسخ أبجدي (كربيز و Kwiatkowski ۲۰۰۶ : جونسون ۱۹۰۹ : بليت ۶).

يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوثائقى إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف (Mediavilla) (۱۹۹۶). يشكف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدي، وإن كان الخطاط قد يبتر كل هؤلاء؛ وهي تاريخيا حروف منمنمة ومع ذلك سلسة وتقابلية ومرتبلة في لحظفة الكتابة (بوت ۲۰۰۶ و Zapf ۲۰۰۷ و ۲۰۰۶).

و يستمر الخط العربي في الازدهار في أشكال دعوات الزواج والأحداث، وتصميم بنط / الطباعة، وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ، والفن الديني، والأعلامات / التصميم الترافيكي / وفن الخط، والنقش على القطع الحجرية ووثيقة العزاء. ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والمصور المتحركة لتسليما والتلفزيون. والشهادة في القضايا، وشهادات المصدّ والولاء، والخرائط، وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة.

الأدوات

الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم، مشطوف الرأس والمعدبب و الريشة. وهناك المصبرة عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة، وكذلك من أدوات الخط الورق عالي الجودة.

الفنون البصرية

الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة، مثل الفنون التشكيلية التقليدية (الخطف، الرسم، الرسم الفني، النحت،المعمارة، والطباعة)، الفنون البصرية الحديثة (التصوير الفوتوغرافي، الفيديو وساعة الأعلام)، والتصميم والحرف اليدوية. العديد من التخصصات الفنية (الفنون المسرحية، فنون اللغة، فنون النسيج وفن الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون البصرية. بالإضافة إلى أنواع أخرى، وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة.

والمفهوم المتغير. الاستخدام الحالي لمصطلح "الفنون البصرية" يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية، ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن 20th "الفنان التشكيلي" يعود على الشخص الذي يعمل في مجال"فنون الجميلة (مثل الرسم، النحت، أو الطباعة) وليس مجال الأشغال اليدوية والحرفية. أو من يخلق نوايل الفن. وأكّد التمييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرون أشكال الفن العامية بقدر الأشكال الـمعمّ. الحركة لتناقض مع المتحررون الذين سموا لتجنب الفنون العالية عن الجماهير من خلال إقبالها مقصورة على فئة معينة من الناس. (بحاجة لمصدر) مدرسة الفن تترك بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين معارضون للفن.

فن الكمبيوتر

الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي. أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة (0/1،10/0) أو ثنائي.Dim. لتحرير لاكتشاف مكونات متعددة، للطباعة (بما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد.

فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني. هذا الفن يمكن أن يكون صورة، صوت، صور متحركة، فيديو، أقراص مشغولة، دي في دي، لعبة فيديو، موقع، خوارزمية، أداء، أو تثبيت معرض رسوم. العديد من التخصصات التقليدية التي أن تقوم بدمج التقنيات الرقمية و نتيجة لذلك، الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي لم إنشأها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة. على سبيل المثال، الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحشائي وغيرها من التقنيات الرقمية. نتيجة لذلك، تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجيها النهائي يمكن أن يكون صعب. ومع ذلك، هذا النوع من الفن قد بدأ بالتطور في المتاحف والمعارض الفنية. على الرغم من أنه لم تثبت رسميتها بعد بوصفها شكل فاعلا بذاته وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر نصير كأداة أكثر من أنها شكل من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي.

استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامون، المصورون، محررين الصور، النماذج، شاحنة الأبعاد، وفنانو الحرف اليدوية. برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطوري الصور. قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة. الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر توليد الصور كالتقليد. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بين الفنون البصرية ومعظمها المصنعة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة. وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للتأرعة.

آرت

آرت ایسے کم یا کماں توں اکھیا جاند اے جیدت وچ چڑاں نوں نشانیاں تال اینج دسیا جاند اے جے اوہ سوشیاں لگن۔ آرت دق بنی شی کوئی کھانی دسدی ات یا صرف کوئی سوہنا سج یا محسوس ہون والا جذبہ۔ انسائیكلوپيڊيا بريتانىكا آرٽ نوں اینج دسدا اے،" اوہ سوشیاں شواہ، محول، یا تجربیاں جنہاں نوں دوجیاں توں وق دسیا جا سکے تے جنہاں دت بنان وچ سوچ تے گر نوں ورتیا گیا ہونے"۔ ایہیے آرٽ وچ مورٹاں (Painting) بنی بنانا(Sculpture)، تے فوٹوگرافی آئدے نیں۔ آرکیئیکچر نوں وق ویلکے جان والے آرٽ وچ گنیا جاند اے پر اوھدے وچ اوسی شی تے کم لینا اوھدے بنان دا مذہب ہوند اے۔ موسیقی، ٹھپس، فلم توں آرٽ تال رہی یا جاسکدا اے۔

آرت فداہنی دق اک ونڈ اے جیدت وچ ایہی اصل ایذا بنانا تے ایہنوں دسنا آئدے نیں۔ آرٽ اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نوں دسں یا کسے ہور لک اپڑاں کنی۔ ارسطو دق فداہنی وچ آرٽ اک ودیا تے آئیدیل نقل (Mimesis) اے۔ کیو ناکسانی ایہنوں اک بندے توں دوجے بندے تک کل اپڑاں دا پتھا ول کیندا اے۔ مارٹن ہائیڈگر دق اکھ وچ آرٽ اک ایسا ول اے جیدت راھیں سکنت اپنا آپ دسدی اے۔

تریخ

ویس ولسڈورف

آرت دے سب توں پراںے نمونے پتھر ویلے توں لیدت نیں ویس ولسڈورف 24,000 توں 22,000 م پ دق اک زبانی دق پتھر دق بنی موڑی ات چھوڑ آسٹریا نوں لسی سی۔ لاسکو،فرانس وچ زمین دے اندر غاراں وچوں ۱7,300 ورت پڑیاں جانوڑاں تے انساناں دیاں موڑیاں کنداں تے بنایاں ملیاں نیں۔ ایہناں وچ انسان شکار کردا دسیا گیا اے۔ وشکارلہ پتھر ویلہ 6000–۵000 م پ لنگان تے ٹولٹیک ویلے 3000–6000 م پ وچ انسان تے وائی بجی تے اک تھان تے تک گئے رہنا سکھیا۔ رھٹاں کجگیاں ہویاں تے مذہب تے وق ماننا پائی تے انسان تے اپنت فیدت کنی ھے۔ تال کنی چڑاں بنایاں سکھیاں تے فیر کانسی ویلے 1000–3000 م پ وچ پھلیاں انسانی رھٹاں پوٹگریاں۔ پراںے مصر، پراںے عراق، فارس، جزیرہ رھتل، چین، پراںے یوناں، روم تے انگا تے مایا دیاں رھٹاں تے اینچیاں آرٽ دیاں ریتاں اینچیاں سروریاں تے اپنت کول ہون والیاں شواہ توں بنایاں۔ آرٽ اوڈوں لکھائی دے بنی تال کردا اے۔ لکھائی اپنت مذہ ویلے توں تے بیمار دے کم توں سوکھا تے لین دین توں یاد رکھن کنی بنی۔ لکھائی پھلے مورٹاں تال تے فیر وازاں نوں نشان دے کے تے اوھناں نوں چوڑے بنائی جانددق اے۔

پیرانا عراق

پراںے عراق دا آرٽ دجہلہ تے فرات دے دریاواں دے وشکار 6 ہزار ورت پھلے توں اوٹھے یونگن والیاں اشورے، سمیرے، کالڈے، رھٹاں وچ بنیا۔ ایہنوں دے آرکیئیکچر وچ ات تے ذات دا ورتن سی تے ایہدے تال وگورت، مندر تے وگھریاں بدبہاراں والے هرم بنائے کنت۔ محفّٰں وچ وگھریاں بدبہاراں تے سوھتد وکھ لائے کنت چھوڑت پراںی دنیا دیاں 7 ٹولیکاں شواہں وچوں سن۔ بنی بنان دا ول لکڑ توں چھل کے تے نقشی دہی پتھر تال بننا تے ایہناں تال مذہبی، شکارے تے فوجی وکھائے انساناں تے جانورں تال بنائے جاندے سن۔ سمیری ویلے وچ لکیاں بنجیاں جناب دے کارٹ لکھے، رنگتے پتھر دیاں، گنجے سر تے جھانجیاں تے ھے۔ سن۔ اکادق ویلے دیاں بنجیاں دے سر دے وال لمحے تے دازیاں سن جویں نارام سین۔ عموری ویلے دیاں بنجیاں توں لاکاش گڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدت ج گڈیا تے چادر سر تے نویں تے ھے۔ چھاتی تے وکھے نیں۔ اشتر یوا چھوڑا بابل وچ 575 م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے آرکیئیکچر ایت دق وڈی نشانی اے تے ایذا کج حصہ پیگامون میوزیم، برلن وچ ھے۔

گیوٹل شیری 5000 ورت پراںی لائم پتھر دق بنی اک موڑی اے۔ عراق وچ اہہ اوڈوں بنی جدوں پھلے تے لکھن دا ول ہننت کنت۔ ٹھپس عراق وچ ارک وچ گول پیپ وکیاں مھراں تے بنایاں موڑیاں کھائی ساند اے اک ٹولیکہ ول سی۔ اہہ مھراں پتھر مٹی یا کسے ہور شیے دیاں وق بنیا ہوسکدیاں سن۔ رات دق رانی عراق چوں لسی کوئی 3800 ورت پراںی پتھر تے بنی عورت دیوی دق بنی اے جیدت پیر پتھپی ویکے دواتے پر سچے کھیرت تے اٹو نیں ۔ گڈیا دق بنی 2۱4 – 2۱2۴ م پ ورت پراںی اے، ار دا سیتھارڈ، کھوڑ پکڑ۔ تانبہ بندے تے گدھ دق یاکار پراںے عراق دے آرٽ دیاں مٹیاں پرمیٹاں نشانیاں نیں۔

لکھائی دا ول بنن تال پراںے عراقی لکھتاں وچ وق اپنت آپ توں دسدت نیں۔ کنگاش ۱7 صدق م پ وچ لکھی کنی ایدت وچ سمیری تے اکادق دیوتاواں دیاں کھانیاں نیں۔ ائراھسس، اکادق ویلے دق اک لکھت اے جیدت وچ ہزارآں دق کھائی دسی گئی اے۔ بابل دیاں لکھتاں وچ سب توں مٹی پرمیٹ لکھت انوما الیش اے جیدت وچ ایس کائنات دے بنن دق کھائی دتی گئی اے۔

پیرانا مصر

منگہ نیپریٹینی

پیرانا مصرق آرٽ 5000 م پ توں لے کے 300 تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصرق رھتل دق نشانی اے تے ایددت وچ مورٹاں، بنجیاں، آرکیئیکچر تے رلدیاں چڑاں آئدیاں نیں ۔ اہہ مصرق آرٽ پیرانیاں قبراں تے یاکھاری تھانواں توں لینا تے اینج ایہیے وچ مرن مکروں جوں تے پراںی جاکھاری توں بنجان تے زور اے۔ اہہ آرٽ 3000 م پ توں لے کے انجی صدق تک تے اچھیلے دوسرے تے فیرت لیر ویلے وچ بنیا۔ 3000 ورت دے لمحے ویلے وچ ایذا تے باھر دا کوئی اثر ناں پیا تے جس ودیا ول تال اہہ تریا تے بنایا گیا انت تک انج دا اق رہا۔ ایس ویلے دا مٹیا آرمنس پیپلو پیگاسو مصرق آرٽ توں اثر لیندا اے۔

مصر اک سکا دیس ہون یاچوں ایہیلے بنجیاں مورٹاں ٹھیک ملیاں نیں۔ مصر دیاں بنجیاں وچوں سب توں چوٹیاں جاناں جان والیاں راحسیس II، ایشاتون، نیپریٹینی، اوسگورن، II، امھوتپ III، منگارے تے نشتخامون نیں۔مصری پانڈت پتھر توں لے کے مٹی تال بندے سن تے او ھنت تے کالے یا رنگتے نقش بنے ھوندے سن۔ ایہناں وچ عام گر وچ ورتن دے پانڈت مرتجاں۔ کرت نیں۔

مصرق مندرناں، محفّٰں، ہرمناں، قبراں، تے ھور کولتیاں توں بنان وچ اتہ، لائم پتھر ریتھ پتھر تے گریتائلن ورتے کے۔ لکڑ تھوڑی ھون یاچوں ایذا ورتن تھوڑا اے۔ خوفو دا اھرام، ابوالھول، کرناک، لکسر، ادفو دے مندر ایہدے وڈے ادبھاراں نیں۔ مصری لکھتاں تے مورٹاں بنان کنی بیپائرس ورگتے سن۔ اہہ اک پوئے توں بنایا جاند اے۔ سی۔ ایڈیاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا ھور گداسی کنی دنیا وچ وق ایذا ورتن سی پر پر کت ھور تال رھیاں۔

پرانہ یونان

پرانہ یونانی آرٹ بنیاب، آرکیجیکچر، پانڈت نے موریاں وچ دسہ اے نے ایس نے یورپ نے ایشیا، وچ پاکستان تک اپنٹ رنگ چھڈت نیں۔ یونانی پانڈت وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں وک'ن نے نعمتیاں وچ بندت سن۔ پانڈت جتاں وچ مرتباں نے پندیاں نے عام زندگی دیاں موریاں بنیاں ہوندیاں سن۔ یونانی آرکیجیکچر اپنی شان، ساکھی نے سوشپ وچ اپنی ادھارن آپ آتے۔ پیگامون، پارٹینن، ہیفسٹس ۱۵ متر ویکھن والیاں تھادواں نیں۔ مائلو دی ویس، سیپولتھریس دی ٹائیکے، یونانی پتیاں دیاں ودیا ادھارن نیں۔

لکھنی ایشیا،

لکھنی ایشا، وچ آرٹ دی ریت ہزیہ رھتل توں ترdq ہوئی اچ دت ویلے تک ایزدق اے۔ پانڈت پتیاں آرکیجیکچر، موریاں نے ابہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اے۔ مہنمودازو دی تھدق کڑق، پندت بادشاہ، مہراں جنہاں نے تھاپی بلد نے سواستیکا پنت ہولے سن۔ نے مٹی دت وڈت مرتباناں نے پانڈیاں نے موریاں اوسی ویلے دت آرٹ دا وکھالہ نیں۔بت بنانا ہندو جین نے بدھ مت دی ریت رلی اے۔ اچنتا دت غار ایرانی ہندستانی پتی دی اک ودیا تھان اے۔ ہندو ہزاراں وریاں توں اپنٹ دیوق دیوتاواں وشوشویا، لکشمی، گنیش، ہنومان، اندرارام نے سرسوتی دیاں موریاں نے پتیاں بنا گئے مندریاں نے کراں وچ وکھدے آئے نیں۔ اٹلے پنجاب وچ گنبدپارہ بدھ مت دت آرکیجیکچر دی وق تھاس سی۔ ابہ پتیاں بدھ نے اودت جیون دت دواتے نیں نے ویلے ٹال ایہناں دت بنان وچ تبدیلیاں آلیاں نے یونانی رنگ وق دسدا اے۔ مغل راج ویلے ایرانی رنگ موریاں وچ دسدا اے۔ مغل راج ویلے دیاں موریاں مغل بادشاہواں نے اوشاں دت جیون دت دواتے اقی پتیاں نیں۔ کانگڑہ راجپوت نے پنجاب موریاں بنان دت مغل'ن مگروں وکھرت سکول سن۔ موریاں دت ول توں انگریزاں نے آگے اپنا رنگ وق جازیا۔ قطب مینار قطبیدین ایبک دی جت نے دتی وچ بنایا گیا اک مینار اے۔آرکیجیکچر وچ پیرائے قلعیاں مندریاں دت مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکیجیکچر ہندستان دی پھچان بندا اے۔ تاج محل، بادشاہی مسجد، شالہ مار باغ، شاہی قلعہ مغل آرکیجیکچر دت کج نشان نیں۔

اسد'ہی خطاطی

اسد'ہی خطاطی : یہ ایک فن ہے۔ جو لکھنت سے لعلق وُکھتا ہے۔ بالخصوص عربی حروف۔ خوبصورت اُرداز میں لکھنت کا فن۔ [۱] اس فن کو اسد'ہ سے جوڑدیاگیا۔ اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مشہول ہوتا ہے۔ اسد'ہی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تخریر اور تحفظ، اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی۔ [2]

یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذری زبانوں میں بھی عام ہے۔

خطاطی، بصیریت اسد'ہی فن، کافی سراہی گئی۔ مذہب اسد'ہ کے مانتے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں، اور مختلف زبانیں ہو کنت ہیں۔ یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے۔ عربی، فارسی، اردو، سنہٹی، آذیری، ترکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا۔ قرآن کی نکاتیت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رھا۔ چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے، کاتب حضرات ہی ان زبانوں میں نکاتیت اور اشاعتوں کا بیڑا اٹھایا۔ شعاہیہ دور میں ’دیوانی‘ خط عروج میں آیا۔ دیوانی خط کا ایک روپ ’جلی دیوانی‘ یا ’دیوانی الجالی‘ ہے۔ رفقہ رفقہ، ’رقع‘ خط کا ارتقا ہوا۔

اشاء، خطاطی[ترمیم]

رواجی طور پر خطاطی کے *ابرت*، قلم، دوات اور رنگہ اہم ہیں۔

• قلم : خطاطی کے *ابرت* مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں۔ ”پرو“ یا ”پاس“ یا ”بسو“ کے قلم مشہور ہیں۔ قلم کی نوک، حروفوں کی چوڑائی کے مطابق بنائی جاتے ہیں۔ حروف چتنت چوڑت، قلم کی نوک اتنی چوڑ۔

• دوات : دوات، شئی، اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں۔

خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں۔ شہر حیدرآباد تکن میں، اردو اکڈمی، انجمن ترقی اردو، عابد علی خان ٹرسٹ، آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دت رہے ہیں۔

مساجد اور خطاطی[ترمیم]

اسد'ہی ”مسجد خطاطی“ یہ بھی اسی فن کا ایک جڑ ہے۔ مسجدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے۔ مساجد میں قرآنی آیات، میناروں پر کندہوں پر، اندرون کنبہ پر قرآنی کلمات کا لکھا جاتا فن تعمیر–فن خطاطی کا ایک مرکب ہے۔

عبارت بسم الله الرحمن الرحيم، اور الله – محمد سلی الله علیه و آله وسلم ، مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے۔ ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جاتا بھی عام ہے

عربی زبان

عربی (العربية al-ʿarabiyyah یا عربی/لغة عربية ʿarabi)، سامی زبانوں میں سب سے بڑھ ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے۔ جدید عربی کد'سیکی عربی زبان(فصیح عربی یا اللغة العربية الفصحی) کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے۔ فصیح عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے۔ فصیح عربی اور بولے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے۔ عربی زبان نے اسد'ہ کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مسد'ہ اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا' ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں۔ عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھتے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں۔ عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مسد'ہ مصری، شامی، عراقی، حجازی وغیرہ مگر تمام لہجے میں یو کنت والے ایک دوسرت کی بات پھونی سمجھ سکتہ ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے۔ یہ دانس سے باگھیں لگائی جاتی ہے اور اس میں چمڑہ سمیت 29 حروف تھجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے۔ Arabic language

حروف تہجی

حروف تہجی سے مراد وہ عدّہ‌متیں ہیں جنہیں لکھتے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔ اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی عدّہ‌مات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کرتے جاتے ہیں۔ بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا۔ بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں۔ بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں۔ اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیت گنت ہیں۔ جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے۔ ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے۔ ابجد ہوز حطی کلّم سعفس قرشت ثخذ ضلفخ۔ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں۔ علم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے۔ جو کچھ یوں ہیں۔

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کرتے جائیں تو 786 بنتے ہیں۔ بعض اہل علم ہمزہ (ہ) کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں۔ اس حساب سے پھر عربی کے انتیس حروف تہجی بنتے ہیں۔ اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے عدّہ وہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں۔ اردو میں ہمزہ سمیت کل 37 حروف ہیں۔ اس کے عدّہ وہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کہ، یہ وغیرہ۔ اردو میں فن تاریخ کوئی کی سنہ موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے۔ اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں۔ اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے۔ مثلاً پ کے اعداد پ کے برابر، د کے اعداد د کے برابر، ک کے اعداد ک کے برابر اور ت کے اعداد ت کے برابر شمار کرتے جاتے ہیں۔